



توسعه در نگاه نیمه دیگر جهان

تأثیر فمینیسم بر چرستی مفهوم
توسعه

اندیشگاه هزاره سوم – کارگروه هنر و توسعه
حامد زین العابدین قدیم

محورهای بحث

- تبیین چرایی بحث
- یادآوری مفهوم توسعه
- تعریف مفهوم فمینیسم
- مروری بر روند تاریخی فمینیسم
- تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم
- دلالت های بحث در تبیین چیستی توسعه

چرایی بحث

- فمینیسم به عنوان یکی از جنبش های بسیار تاثیرگذار از اوایل قرن نوزدهم میلادی بوده است که تقریبا تمامی مکاتب مختلف را متاثر کرده است.
- فمینیسم یکی از منتقدان جدی و مداوم مفهوم توسعه بوده و همواره در گذر زمان تعریف از توسعه غربی را خصوصا از سالها ۱۹۶۰ به بعد مورد تغییر قرار داده است.



یادآوری مفهوم توسعه

- در قرن هجدهم میلادی مارکیس منتخب، ریاضیدان، فیلسوف و سیاست مدار فرانسوی ایده ای صادقانه، خیرخواهانه و بر اساس اشتیاق بی اندازه او به گسترش روشنگری اروپامدارانه که در فرانسه و آمریکا نتیجه داده بوده به تمامی دنیا را مطرح میکند.
- مارکیس اجرای پروژه های صنعتی و کسب و کارها در مستعمرات اروپایی را راهی برای نجات این مستعمرات میداند.
- با شکل گیری سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ پروژه جهانی شدن سرعت میگیرد و و پس از آنکه ترومن برنامه پیشنهادی خود در سال ۱۹۴۶ را بیان میدارد، برنامه کمک فنی برای توسعه اقتصادی در سال ۱۹۴۸ در سازمان ملل متحد کلید میخورد.

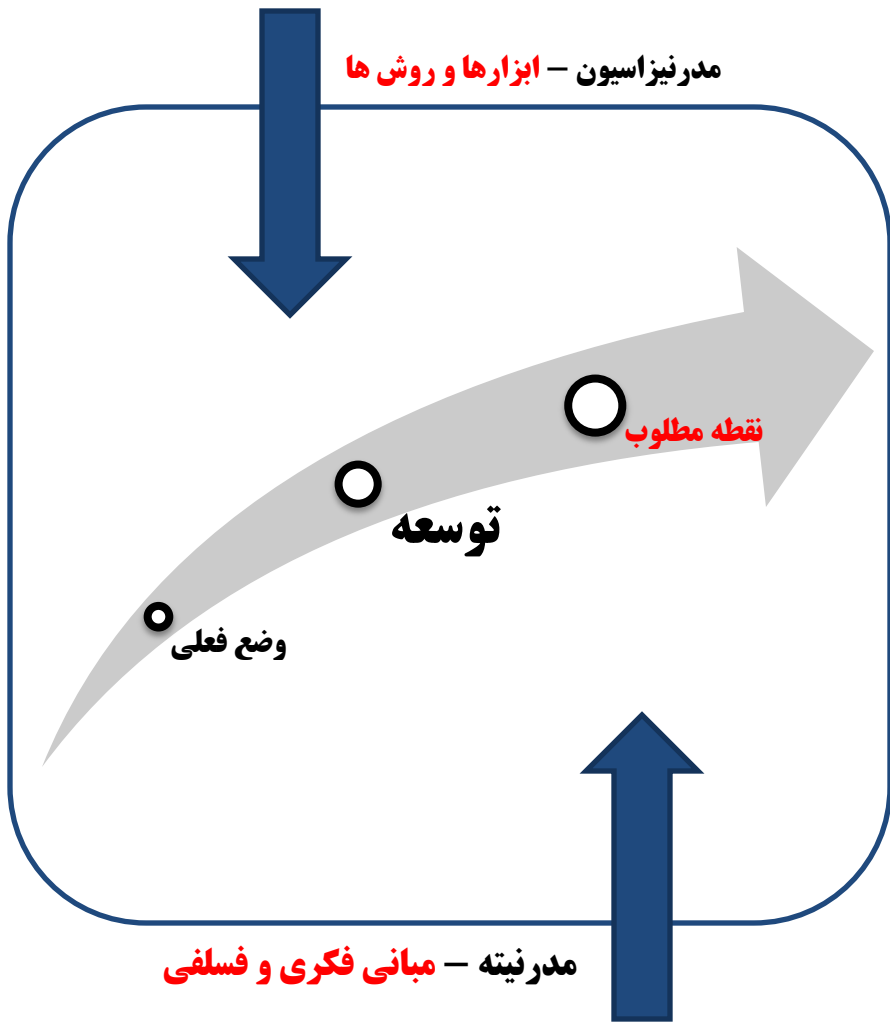
یادآوری مفهوم توسعه

- از طریق ایجاد توافق میان کشورهای موثر و قدرتمند عضو سازمان ملل متحد، مفهوم توسعه را از انتخاب یک ملت برای درونی کردن ارزش ها، به اجباری جهانی برای همگون سازی تبدیل کرد.
- عبارت دیگر میتوان گفت که **توسعه از مدرنیته به مدرنیزاسیون تبدیل شد** و قدرت های جهانی، جهان را به توسعه نیافته، در حال توسعه و توسعه یافته تقسیم کردند و معیار آن، میزان انطباق آنها با کشورهای در حال توسعه بود.



درونمایه مفهوم توسعه

مدرنیزاسیون - ابزارها و روشی ها



مدرنیته - مبانی فکری و فلسفی

- اگر مدرنیته را موتور محرکه جریان تاریخ معاصر بدانیم، آنگاه توسعه به مثابه حرکت یک ملت، برای رسیدن به جایی است که خود برای خود در جهان مدرن تعیین مینماید؛

- حرکت از وضع فعلی به نقطه ای که من آن را "مقصد عزیزت" در جریان توسعه می نامم یعنی همان نقطه مطلوب تر نسبت به وضع فعلی.

- بر اساس چنین تبیینی از مفهوم توسعه، یعنی **فرایندی** به جهت افزایش مطلوبیت، و بر خلاف بسیاری از تعاریف فعلی که آن را بر اساس نتایج حاصل از اجرایی شدن آن تعریف میکنند، باید به خود فرایند پرداخت و چگونگی آن را تبیین نمود.

درونمایه مفهوم توسعه



- توسعه در **سطح فردی**، فرایندی است که در طی آن **مبانی فکری و فلسفی انسان** سنتی تغییر کرده و با **تغییر شناختی**، او به **بلوغ هستی شناسانه** ای میرسد که پس از آن، او دیگر کودکی نیازمند و بی پناه و تحت تسلط طبیعت پیرامونی و والدهای طبیعی و انسانی و فرا طبیعی برای زیستن در این جهان نیست.
- توسعه در سطح اجتماعی، فرایندی است که در آن جمعیت بزرگی از جامعه، فرایند توسعه فردی را **آگاهانه** طی میکنند که در نتیجه آن، جامعه متشکل از اعضای مسئول در قبال جامعه و جامعه ای مسئول در قبال اعضایش است که نتیجه مشارکت آنها به بهبود شرایط زیستی و افزایش کیفیت زندگی همه اعضای جامعه منجر میشود.

فمینیسم چیست؟

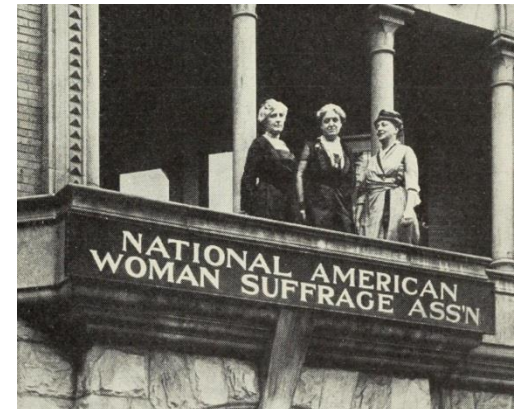


- چارلز فوریه فیلسوف و متفکر سوسیالیست فرانسوی در سال ۱۸۳۷ فمینیسم را به مفهوم آزادی زنان در اتوپیای آینده تعریف کرد.
- دستیابی به حقوق برابر جنسیتی در مسائل سیاسی، اقتصادی، شخصی و اجتماعی

روند تاریخی فمینیسم

موج اول فمینیسم - سالهای ۱۸۴۸ تا ۱۹۲۰

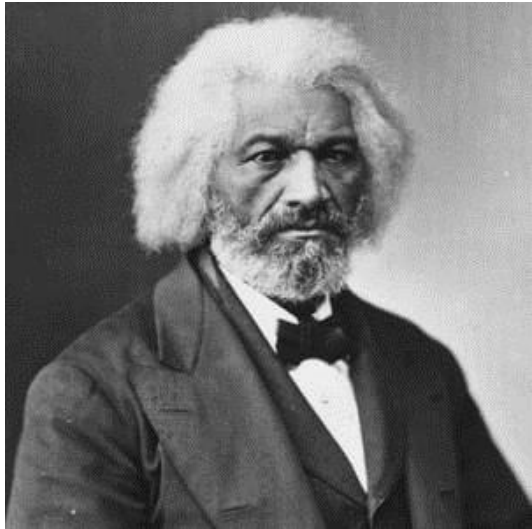
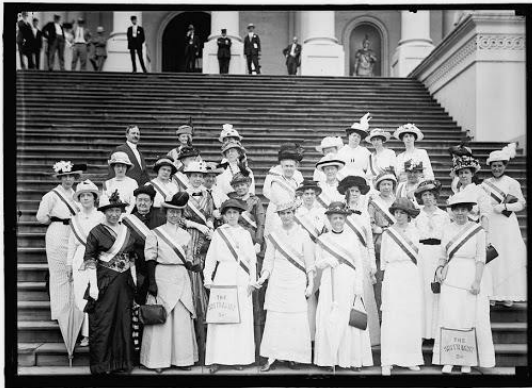
- تمرکز موج اول فمینیسم بر مسایل حقوقی و از همه مهمتر حق رای زنان بود. تقریبا اکثر کشورهای های دنیا تا سالهای ۱۹۶۰ حق رای زنان را به رسمیت پذیرفتند.



روند تاریخی فمینیسم

سال ۱۸۴۸

- اولین کنوانسیون حقوق زنان
- برای اولین بار در تاریخ به طور رسمی مسئله برابری حقوق زنان مطرح میشود.
- یازده مصوبه طرح میشود و به جز نهمین آنها یعنی حق رای برای زنان همگی تصویب میشود. مصوبه نهم با پیگیری و تلاش فردریک داگلاس مبارز حقوق نژادی به تایید میرسد.



روند تاریخی فمینیسم

سال ۱۹۱۱

- اولین روز جهانی زن
- این روز در ابتدا برای اعتراض به جنگ جهانی اول استفاده میشد.
- در روسیه تزاری، اعتراضات زنان تحت عنوان صلح و نان منجر به برکناری تزار شد و بسیاری این اعتراضات را سرچشمه انقلابات روسیه میدانند.



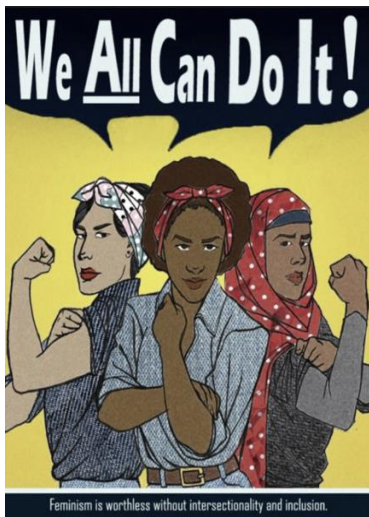
روند تاریخی فمینیسم

دهه ۱۹۲۰ - نیجریه

- زنان ایگبو در اعتراض به رهبران غیردموکراتیک با دعوت از زنان بخش جنوب شرقی نیجریه به رقص و آواز خواندن که موجب سرافکنندگی رهبران سیاسی میشد پرداختند. اگرچه نتیجه آن قتل عام همه معترضین بود اما رهبران سیاسی مجبور به استعفا شدند و مالیات بر کار زنان حذف شد.



روند تاریخی فمینیسم



جنگ جهانی دوم

- نیاز به حضور زنان در زمینه های کاری مختلف در خلال سالهای جنگ جهانی دوم تعریف های قراردادی از نقش زنان را تغییر داد.

روند تاریخی فمینیسم

۱۹۴۵ - تشکیل سازمان ملل متحد

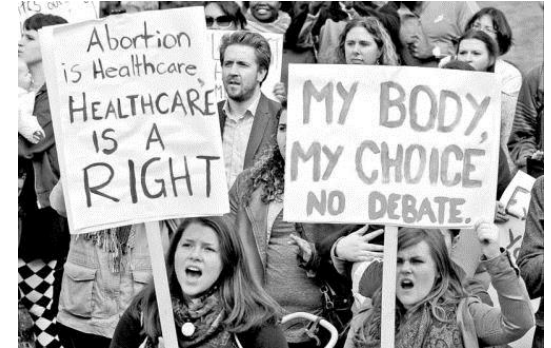
- سازمان ملل متحد با شعار برابری حقوق نژادی اعم از مردان و زنان تشکیل شد.
- در سال ۱۹۴۶ انور روزولت در گردهمایی سالانه سازمان ملل، در نامه ای سرگشاده همه زنان جهان را دعوت به نقش آفرینی در همه امور بین المللی کرد.



روند تاریخی فمینیسم

موج دوم فمینیسم - سالهای ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۸۰

- تمرکز موج دوم فمینیسم بر مسایل مسئله نابرابری جنسیتی متمرکز میشود و به ساختار مردانه حاکم بر نهادهای اجتماعی می تازد و تلاش میکند تا حقوق زنان را در امور جنسی، خانواده، تولید مثل، محسط کار و غیره محقق کند.



روند تاریخی فمینیسم

۱۹۶۰ - جمهوری دومینیک

- خواهران پروانه، سه خواهر بودند که به صورت آشکار به دیکتاتوری رافائل تروخیلو اعتراض کردند. نتیجه آن ترور سه خواهر و یک سال بعد سرنگونی تروخیلو بود. ۲۵ نوامبر از پس بعنوان یادمان مبارزه با خشونت علیه زنان نامگذاری شده است.



روند تاریخی فمینیسم

دهه ۱۹۷۰

- اولین سال زنان در سازمان ملل متحد، اولین دهه زنان در سازمان ملل متحد و اولین کنفرانس جهانی زنان در مکزیک، توجهات را به سمت خواسته های فمینیسم در جهان جلب کرد.



روند تاریخی فمینیسم

دهه ۱۹۸۰

- دهه ۸۰ میلادی دهه ای بود که فمینیسم های تفاوت در تقابل با فمینیسم های لیبرال پوپولار پا به عرصه گذاشتند. باور این گروه بر این بود که بر خلاف تاکید بر شباهت ها و یکسان بودن جنس زن و مرد باید تاکید بر تفاوت های زنان و به رسمیت شناختن این تفاوت ها پرداخت.
- نقدها به برنامه توسعه و خود مفهوم توسعه آرام آرام از این دهه آغاز میشود.
- فمینیست های ماتریالیست در دهه های قبل از آن، معتقد بودند نظام مردانه و کاپیتالیسم را باید مجبور به پذیرش این مهم کنند که زنان و مردان در برنامه توسعه یکسان ببینند.
- فمینیسم تفاوت (Difference Feminism) اما معتقد است که هزینه های نظام سرمایه داری بر دوش زنان است و زنان علاوه بر ایفای نقش هایی بیرون از خانه، فعالیت های بدون مزدی در خانه انجام میدهند که به واسطه نقش های جنسیتی برای آنها تعریف شده است. فعالیت هایی با ارزش افزوده که در تولید ناخالص محاسبه نمیشوند.

نقش های جنسیتی

- تفاوت های میان زنان و مردان دو قسمت است: تفاوت های بیولوژیکی و نقش های جنسیتی



روند تاریخی فمینیسم

موج سوم فمینیسم - دهه ۱۹۹۰



- موج سوم فمینیسم را میتوان جنبشی درون جنبش فمینیسم در نظر گرفت. موج سوم علیه مصادره شدن موج دوم در دست گروهی از طبقه ایت و سفید پوست زنان به راه افتاد و تلاش کرد تا خود مفهوم فمینیسم را تبیین کند. توجه به رنگین پوستان، دگرباشان جنسی، گیاه خواری، محیط زیست و ... نتایج این تبیین ها بودند.

روند تاریخی فمینیسم

سال ۱۹۹۳

- بیانیه سازمان ملل در زمینه حذف خشونت علیه زنان

سال ۱۹۹۴

- برنامه اجرایی ۲۳ ساله ICPD که در آن انسان ها و حقوق آنها را در مرکز برنامه قرار میدهد و بهداشت تولید مثل و حقوق جنسی زنان را بخشی از مفهوم حال خوب تعریف میکند.

سال ۲۰۰۰

- قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل بیان میدارد که جنگ بر روی زنان تاثیر متفاوتی دارد و مشارکت آنها در حل تعارضات و تناقضات بین المللی به رسمیت میشناسد.



روند تاریخی فمینیسم

سال ۲۰۰۳ - لیبیا

- تلاش های زنان در لیبیا برای استفاده از فشارهای جنسی و برهنه شدن برای شرمگین کردن مردان با هدف تحمیل گفت و گوهای صلح و دادن امکان حضور به زنان در جلسات گفت و گو که به پایان یافتن جنگ داخلی ۱۴ ساله و انتخاب اولین رییس دولت زن در آفریقا انجامید.



روند تاریخی فمینیسم

سال ۲۰۰۶ - هند

- زنان منطقه فقیرنشان در ایالت اوتار پرادش به حمایت یک زن هماسه که مورد سوءرفتار همسرش بود با چوب های بامبو بیرون ریختند و مرد را مجبور به اعتراف و قول دادن به توقف آزار کردند. این حرکت محلی بعدها به حرکتی ملی بدل شد که در آن زنان با لباس صورتی در خیابان ها خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان میشوند.



روند تاریخی فمینیسم

موج چهارم فمینیسم - ۲۰۱۲ به بعد

- تمرکز موج چهارم فمینیسم بر تقویت زنان و استفاده از ابزارهای اینترنت و شبکه های اجتماعی برای افزایش آگاهی ها پیرامون مشکلات زنان، تغییر انگاره های ذهنی در خصوص زنان و همچنین رساندن صدای زنان به گوش جامعه است. (#metoo)



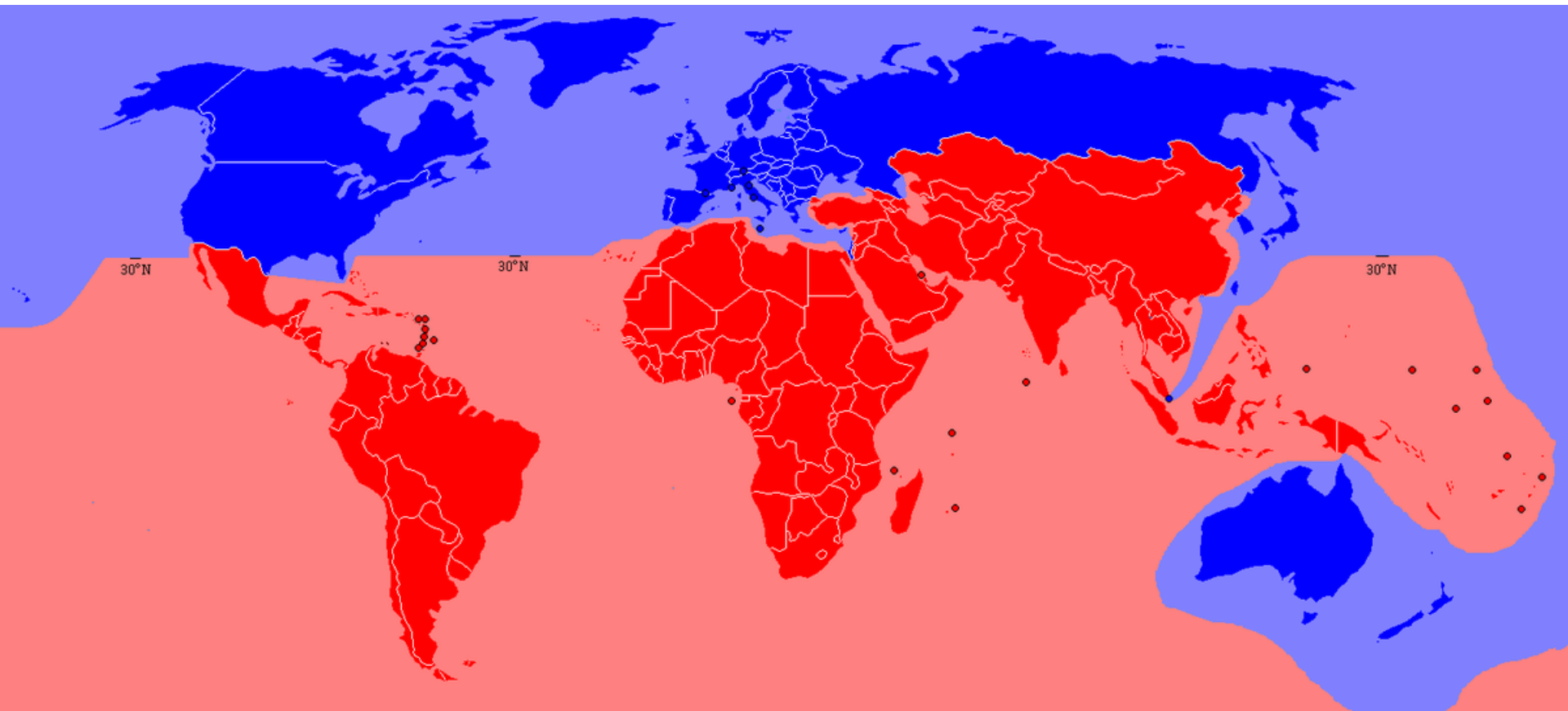
تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم



- مفهوم Buen Vivir در زبان لاتین به معنای زندگی خوب توسط فمینیسم های آمریکای لاتین به عنوان جایگزینی برای مفهوم توسعه پیشنهاد شده است.
- مبنای اصلی در این نگاه رفع استعمارگری و رفع نظام مردسالارانه است. اما چه چیز فمینیسم را به این پیشنهاد برای توسعه رسانده و این نگاه چه دلالتی برای ما دارد؟

تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

- در دهه ۱۹۷۰ فمینیسم مفهوم توسعه ای را که از دل برنامه ترومن در سازمان ملل متحد با نگاه سلسله مراتبی شمال-جنوب در آمد و برای بیست سال اجرا شد به نقد میکشد. (مارگاریتا آگویناگا و همکاران - ۲۰۰۳)



تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

- استر بوزرآپ (۱۹۷۰) توسعه را سیستمی میداند که زنان را کنار گذاشته و بیان میدارد که باید دگم اندیشی در خصوص برخی ابعاد فرض انگاشته شده در خصوص مفهوم توسعه را کنار بگذاریم.
- نتایج بررسی ها نشان میدهد که از سال ۱۹۴۵ تا سالهای ۱۹۷۰ زنان تنها امتیازگیران منفعل برنامه های توسعه ای به عنوان مادران و خانه داران در نظر گرفته میشدند و این در حالیست که در بسیاری از صنایع از جمله کشاورزی زنان نقش زیادی در نیروی کاری داشتند و و این به جز فعالیت های دیده نشده و ارزشمند از نظر اقتصادی در خانه و تربیت کودکان است.

تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم



- نقدهای وارد شده باعث شده تا موضوع زنان در توسعه (Women in Development – WID) که محوردهه ۶۰ میلادی بود به توسعه و زنان (Women and Development – WAD) در نیمه دوم دهه ۷۰ تبدیل شود و موضوع اصلی این جریان، نقد برنامه توسعه بود به این معنا که توسعه در شمال را محصول استثمار جنوب میدید و به آن نقد داشت.

- رافگبر (۱۹۹۰) معتقد است که این تئوری فمینیستی از توسعه نیز اگرچه به مسئله درآمد زنان توجه داشت اما آن نیز کار در خانه و مراقبت از خانواده را در حوزه خصوصی افراد و خارج از حوزه اجتماعی می دید.

تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

• موج سوم فمینیسم در دهه ۸۰ اما مسئله جنسیت و نقش آن در توسعه را در فرایند جهانی شدن را پررنگ کرد و تئوری جنسیت و توسعه (Gender and Development- GAD) ظهور یافت که ریشه در فمینیسم سیویالیست دارد.

• آگوائیناگا و همکارن (۲۰۰۳) بیان میدارند که تئوری GAD بر یک مبنای بسیار مهم شکل گرفت و آن این بود که موضوع تمرکز را بر زنان گذاشت بلکه بر جنسیت قرار داد و این را طرح نمود که جنسیت یک متغیر مهم در امر توسعه است و خود جنسیت زنان متاثر فاکتورهای دیگری از جمله ریشه های فرهنگی و نژادی، گرایش جنسی و سن می باشد و بنابراین نگاهی چند بعدی به مقوله جنسیت را در نظر گرفت و از جمله توجه به نژاد و فرهنگ بومی را مورد توجه قرار داد.



تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

- آگوائیناگا و همکاران (۲۰۰۳) تاکید میکنند که مطابق با GAD برای رفع فقر باید سیاست گذاری ها مبتنی بر جنسیت متفاوت باشند و برابری به معنای یکسانی نیست و همچنین بر خلاف تئوری های پیشین کار در خانه و کار بیشتر زنان برای خانواده را از موضوع توسعه جدا نمی کند و آن را بخشی از سیستم تولید می داند.
- نکته دیگر این است که از دهه ۸۰ به بعد زن نه مصرف کننده توسعه که به عنوان یک عامل موثر در توسعه قلمداد میشود و حضور زنان در عرصه های سیاسی و توجه به انواع مختلفی از سرکوب های نژادی و طبقه بندی های اجتماعی به عنوان نقد هایی بر جریان توسعه مورد توجه قرار میگیرند.



تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

- کارولین موزر در خلال سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ بر روی ایجاد چارچوبی برای توسعه بر مبنای GAD کار میکند که امروز نیز یکی از چارچوب های اصلی بانک جهانی و سازمان ملل متحد می باشد.
- بر مبنای مدل موزر، برنامه توسعه و سیاست های توسعه باید بر اساس تحلیل نیازهای جنسیتی باشد و او میان نیازهای پایه ای و نیازهای استراتژیک تفاوت قایل شد.
- نیازهای پایه ای مانند خدمات پایه ای، غذا و غیره است که میتواند جهان شمول باشد اما نیازهای استراتژیک ارتباط زیادی با **زمینه اجتماعی** دارد. پرهیز از خشونت، برابری پرداخت حقوق، کار برابر، تصمیم در خصوص مسایل جنسی و ... مثال هایی از نیازهای استراتژیک هستند.



تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

• در سال ۱۹۸۵ اتفاق مهمی رخ داد. در کنفرانس جهانی زنان در نایروبی، شبکه زنان در جنوب، ایده ای را مطرح کرد که میتوان گفت مهمترین نقد وارد شده به مفهوم توسعه بود.

• ایده مطرح شده استفاده از یک مفهوم جایگزین بود: راهکارهای جایگزین توسط زنان برای دورانی جدید (DAWN) که در آن به این موضوع پرداخته میشود که مشکل اصلی عدم مشارکت زنان در توسعه نبوده بلکه مشکل در خود مفهوم توسعه است.

• DAWN به این مفهوم میپردازد که مشکل اصلی در مفهوم توسعه تاکید زیاد بر محوریت رشد و اندازه گیری آن با رشد اقتصادی است که به نوبه خود منجر به مصرف گرایی و بدهی زیاد انسان ها شده است.



Matt Sesow paintings

تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

- یکی دیگر از نقدهای اساسی به توسعه غربی (شمالی) این بود که بیان میداشت، شمال ثروتمند از طریق اعمال تنظیمات ساختاری در جنوب و برای کاهش هزینه های عمومی، زنان را بیش از اندازه استثمار کرده است.
- در تعریف جدیدی که از توسعه میدهند، توسعه را بهره گیری و مدیریت مسئولانه و اجتماعی منابع برای حذف تبعیت جنسیتی و نابرابری اجتماعی میدانند (گراون و سن - ۱۹۸۷).
- بر این مبنا، رشد اقتصادی ابزار توسعه انسانی است و نه بر عکس آن و همچنین به این ترتیب سیاست های توسعه ای تداوم استعمار، از طریق از بین بردن نهادهای سنتی و نگرش ها در کشورهای توسعه نیافته است.



تحول مفهوم توسعه در نگاه فمینیسم

- شاخه دیگری از فمینیسم تحت عنوان اکوفمینیسم در دهه ۷۰ شروع شده بود که رابطه میان زن و طبیعت از حیث سرکوب و استثمار را سمبولیک و تنگانگ میداند.
- از پایان دهه ۹۰ و شروع قرن بیستم، نقدهای تند این شاخه از فمینیسم، مفهوم توسعه را حتی بیش از قبل مورد نکوهش قرار میدهد و آن را استراتژی استثمار غربی با ریشه های عمیق تسلط گرایی بر زنان و طبیعت میداند.
- چنانکه واندانا شیوا (۲۰۰۱) صادرات توسعه غیرپایدار صنعتی غرب را آپارتاید محیط زیستی میداند که از طریق سیاست های جهانی تثلیث مقدس، کمپانی های چند ملیتی غربی و دولت های با قدرت اقتصادی زیاد، قدرت اقتصادی شمال را حفظ میکند و هزینه های زیست محیطی اش را به جهان سوم تحمیل میکند.
- یا آنکه مایلز (۱۹۹۸) بیان میدارد که توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی با توسعه پایدار کاملاً نامنطبق است و مدلی را پیشنهاد میدهد که در آن حفظ حیات هدف محوری باشد.



دلالت های بحث در تبیین چیستی توسعه

- توسعه یک فرایند تحول یافته و تطور یافته در طول تاریخ است.
- بنابراین ما با دو معنا از توسعه رو به رو هستیم:
 - توسعه به معنای تاریخی و تجربه زیستی آن (غم نوستالژیک یا تنفر از گذشته)
 - توسعه به معنای اختیار شده آن برای آینده (چشم انداز آینده)

دلالت های بحث در تبیین چیستی توسعه

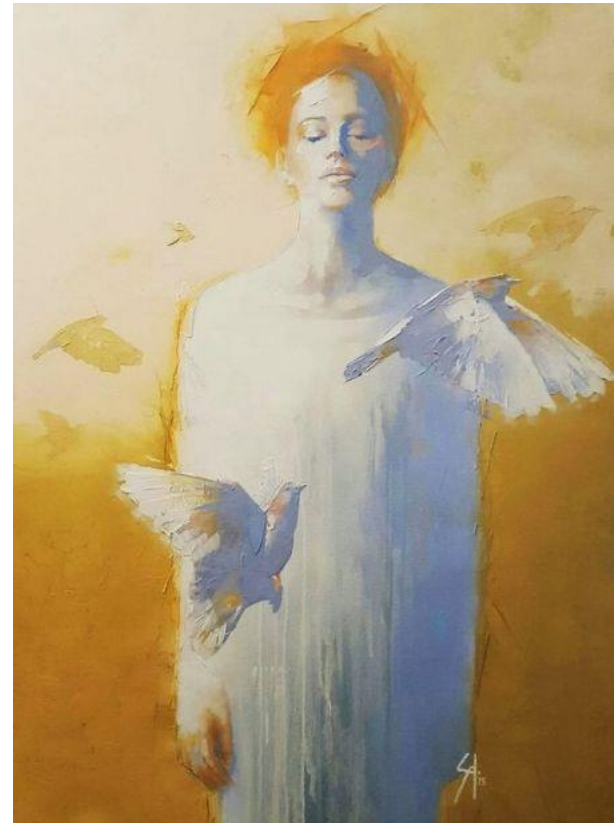
- اگر توسعه را پروژه مدرنیته و در ادامه عصر روشن گری اروپایی بدانیم باید بپذیریم که همین توسعه بود که امکان ظهور و بروز فمینیسم را فراهم کرد.
- آیا اینکه توسعه باعث بهبود در بخش هایی از هستی آدمی شده است، معنایش آن است که ما انتخاب گر در تبیین و تعریف توسعه نیستیم؟

دلالت های بحث در تبیین چیستی توسعه

- فمینیسم جنوب، با بهره گیری از مفاهیم فرهنگی بومی، و در ترکیب و سنتزی متجانس با دست آورهای عصر مدرن، و با حفظ دست آوردهای بشری در دروان مدرن مفهوم **Buen Vivir** با زندگی خوب را ارایه میکند که عمقی بیشتر از مفهوم توسعه را در قیاس با رشد اقتصادی صرف در بر میگیرد.
- داشته های فرهنگی و بهره معنوی ما چطور میتواند ضمن حفظ دست آوردهای مدرنیته تعریفی از توسعه را به دست دهد که انسان را از بی معنایی نجات دهد بی آنکه باز به دامان افسون ها برگردیم؟

نقطه مطلوب برای توسعه یا فرایند توسعه؟

- بازشناسی «خاطره قومی» (شایگان)، پیرایش آن و دریافت آنچه برای توسعه درجهان امروز کاربردی است بخشی از شناخت نقطه مطلوب است.
- نقطه مطلوب همچنین نیازمند شناسایی و بهره گیری از دست آوردهای بشری در دوران مدرن در حوزه های مختلف علوم انسانی، علوم زیستی، علوم تجربی و سایر حوزه های دانشی است.
- فرایند دست یابی از تعریف نقطه مطلوب مهمتر است.



Painting by Annie Hamman

جمع بندی

- توسعه در **سطح فردی**، فرایندی است که در طی آن **مبانی فکری و فلسفی انسان** سنتی تغییر کرده و با **تغییر شناختی**، او به **بلوغ هستی شناسانه** ای میرسد که پس از آن، او دیگر کودکی نیازمند و بی پناه و تحت تسلط طبیعت پیرامونی و والدهای طبیعی و انسانی و فرا طبیعی برای زیستن در این جهان نیست.
- توسعه در سطح اجتماعی، فرایندی است که در آن جمعیت بزرگی از جامعه، فرایند توسعه فردی را **آگاهانه** طی میکنند که در نتیجه آن، جامعه متشکل از اعضای مسئول در قبال جامعه و جامعه ای مسئول در قبال اعضایش است که نتیجه مشارکت آنها به بهبود شرایط زیستی و افزایش کیفیت زندگی همه اعضای جامعه منجر میشود.
- برای رسیدن به این آگاهی و ادراک، فرد نیاز به **مبانی ذهنی مشخص** و **آموزش روش شناختی** دارد. روشی که او را کمک نماید تا امکان بازفهم ریشه های خویش، نقد آنها، فهم دست آوردهای مدرنیته و نقد آنها و نهایتاً انتخاب ترکیبی متجانس را پیدا کند.

جمع بندی

- میتوان مدلی فردی و متناظر با آن تصویری اجتماعی از توسعه را ارائه نمود اما این مدل ذهنی/رفتاری و این تصویر اجتماعی نمیتواند و نباید معادل مفهوم توسعه قلمداد شود بلکه میتواند یک گزینه ساده تر برای انتخاب جامعه باشد اما باید جامعه را تشویق کرد تا با درکی عمیق تر انتخابی آگاهانه داشته باشد و مسیر توسعه فردی به توسعه اجتماعی منجر شود.